

## تداوم حافظه

نویسنده: سمانه آقائی آبچوئیه تصویرگر: مینا موری



آقای دالی با سیبیل های معروف بلند تاب خورده اش



شما می توانید با اسکن این بار کد اثری که میراثک انتخاب کرده را با وضوح و کیفیت بهتری تماشا کنید.

وای! این چهار تا ساعت جیبی را ببینید. نگاه کنید که چطور ی سه تا از این ساعت ها دارند مثل موم عسل زیر نور آفتاب ذوب می شوند. مورچه ها را تماشا کنید؛ به سمت یکی از ساعت ها هجوم برده اند، جوری که انگار یک شیرینی خوشمزه پیدا کرده اند.

ویز... ووز... ویز... ووز...

انگار به جز مورچه ها سر و کله یک مگس هم پیدا شده. آنجاست. ساعتی که روی سکو وارفته را انتخاب کرده و رویش نشسته است. چه منظره عجیبی! بیابان و صخره و دریا، ساعت های ذوب شده، درختی که از توی یک سکو بیرون آمده، مورچه ها و...؛ رسما مثل بعضی از خواب هاست.

شاید در نگاه اول فکر کنید این یک عکس است ولی نه این یک تابلوی نقاشی است که هم اکنون در «موزه هنر مدرن نیویورک» نگهداری می شود. اسم این نقاشی، «تداوم حافظه» است؛ یکی از معروف ترین آثار آقای «سالوادور دالی».

آقای دالی اهل کشور اسپانیا است. او این تابلو را در سال ۱۹۳۱ میلادی (حدود ۹۳ سال قبل) وقتی که در کشور فرانسه بود، نقاشی کرد. آقای دالی یکی از خاص ترین هنرمندان جهان است. این عجیب و غریب بودنش را توی چهره اش هم می توانید ببینید. اصلا بیا بید این جملات را بخوانید: «هر روز صبح وقتی از خواب بلند می شوم، با خودم می گویم چه لذتی بالاتر از اینکه مثل سالوادور دالی باشی؟! او سریع از خودم می پرسد امروز چه کار شگفت انگیزی خواهد کرد این سالوادور دالی؟!» این حرف ها را کسی درباره آقای دالی نگفته است. این حرف ها را خودش به خودش می گفت!

حالا بیا بید دوباره به سراغ تابلو برویم. آن دور ها، صخره های بلند و همین طور منظره ای از دریا را می توان تماشا کرد. آن هایی که خانه آقای دالی را دیدند می گویند این منظره شباهت خیلی زیادی به فضای بیرون از خانه او دارد. برای همین خیلی از پژوهشگران، این بخش از تابلو را به خود آقای دالی ربط می دهند و معتقدند که به خاطر آن اشاره کرده. در حقیقت به یک معنا ساعت ها می توانند نشانی از خاطرات نوجوانی آقای دالی باشند، خاطراتی که در حال محو و ذوب شدن هستند و آقای دالی دیگر نمی تواند آن ها را به درستی به یاد بیاورد چون زمان زیادی از آن ها گذشته است. ساعت های در حال ذوب این نقاشی همچنین می توانند به ما بگویند که زمان خیلی هم ثابت و مشخص نیست.

ساعت ها و حال و هوای این نقاشی آدم را به یاد «نظریه نسبیت انیشتین» می اندازند که می گوید زمان در جاها و حالت های مختلف فرق می کند. برای مثال دوقلو هایی را در نظر بگیرید که یکی از آن ها روی کره زمین زندگی می کند و دیگری با یک فضاپیما با سرعت نزدیک به نور به سمت فضا می رود. اگر کسی که روی زمین است ۱۰۰ سال از عمرش بگذرد، آن شخصی که در فضا پیما بوده فقط یک سال از عمرش گذشته است.

تابلوی تداوم حافظه یکی از آثاری است که میراثک خیلی به آن فکر می کند. فضای عجیب و غریب تابلو برایش جالب است. شاید باور نکنید ولی میراثک گاهی که خوابش نمی برد به این تابلو فکر می کند. آن وقت آرام آرام خوابش می برد. عجیب بود، نبود؟ غریب بود، نبود؟

از بین همه ساعت ها میراثک حالت آن ساعتی که مثل یک لباس روی شاخه درخت وارفته را دوست دارد. برای همین حالا هم رفته و مثل آن روی شاخه پهن شده است. از دست تو میراثک! مراقب باش سرت گیج نرود. ما حالا حالا ها با تو کار داریم. دوست داریم تا همیشه در حافظه ما تداوم داشته باشی.